

بسم الله الرحمن الرحيم

سوال و جواب

(ترجمه)

سوال:

در میان سیاستمداران و در رسانه‌ها، کاربرد اصطلاح «دولت عمیق» به‌گونه‌ی گسترده‌ای رواج یافته است؛ اما با بررسی سخنان موجود، روشن می‌شود که در برداشت‌ها از این اصطلاح تفاوت‌هایی وجود دارد. آیا ممکن است معنای راجح و قابل اعتماد این مفهوم را توضیح دهید تا بتوانیم رخدادهای سیاسی مرتبط با آن را بهتر درک کنیم؟ همچنین اگر ممکن باشد، لطفاً با ذکر چند مثال، بر روشنی بحث بیفزایید. پوزش می‌طلبم اگر درخواست ذکر این نمونه‌ها، شما را از کارهای بزرگتر و مهمتری باز می‌دارد. با سپاس فراوان.

جواب:

بلی، آنچه در مورد اصطلاح «دولت عمیق» منتشر شده، حاکی از وجود برداشت‌های گوناگون است. برخی آن را به معنای اقشار بانفوذه می‌دانند که در ساختار رسمی قدرت حضور ندارند، اما در خفا علیه نظام حاکم فعالیت می‌کنند؛ چنان‌که در ترکیه چنین حالتی دیده شده است.

گروهی دیگر، دولت عمیق را نیرویی می‌دانند که عملاً کنترل نظام را در دست دارد، کشور را آنگونه که بخواهد اداره می‌کند. و هرگاه مشکلی پیش آید، آن را به دیگران نسبت می‌دهد؛ به این صورت که موقتاً از قدرت کنار می‌رود، گروهی دیگر را جایگزین می‌سازد تا مسئولیت آن مشکل را بر دوش گیرند، سپس دوباره به صحنه باز می‌گردد، همان‌طور که در بریتانیا مشاهده می‌شود.

برخی دیگر، آن را به مثابه نبرد میان احزاب مؤثر در نظام می‌دانند، چنان‌که در دوران ترامپ در ایالات متحده آمریکا قابل مشاهده است. گروهی دیگر، ناتوانی‌ها و کاستی‌های مدیریتی خود را به اصطلاح دولت عمیق نسبت می‌دهند تا به‌نوعی بر شکست‌ها و خلأهای حکمرانی‌شان سرپوش بگذارند.

عده‌ای هم از این اصطلاح به عنوان ابزاری برای انحراف افکار عمومی استفاده می‌کنند و هرگاه بخواهند توجه مردم را به مسئله‌ای جلب یا از موضوعی منحرف سازند، از واژه «دولت عمیق» یا تعبیرات مشابه بهره می‌برند. برخی نیز دولت‌های استعماری را همان دولت عمیق در مستعمرات خود می‌دانند.

برای روشن شدن معنای راجح و معتبر این اصطلاح، نخست باید به بررسی چند تعریف ارائه‌شده از دولت عمیق بپردازیم:

نکته اول؛ شماری از تعاریف مربوط به دولت عمیق:

۱. واژنامه وبستر که از جمله کهن‌ترین فرهنگ‌نامه‌های جهان به‌شمار می‌رود، «دولت عمیق» را چنین تعریف می‌کند: «شبکه‌ای مخفی و ادعایی متشکل از مقام‌های دولتی غیرمنتخب و گاه نیز نهادهای خصوصی که بیرون از چارچوب قانونی عمل می‌کنند تا بر سیاست‌ها و اجرای آن‌ها تأثیر بگذارند. به بیان دیگر، در ورای نظام‌ها و قانون اساسی، نیروی ژرف‌تر وجود دارد که کنترل کشور را به‌دست دارد. این نیرو، دستورکار خاص خود را دارد و می‌تواند تصمیمات حکومت منتخب را تضعیف و خنثی سازد.»

۲. در ویکی‌پدیا آمده است: «دولت عمیق در ترکیه (به ترکی): (Derin Devlet) به مجموعه‌ای از ائتلاف‌های بانفوذ و ضد دموکراسی در درون ساختار سیاسی ترکیه گفته می‌شود که متشکل است از عناصر عالی‌رتبه در سازمان‌های اطلاعات داخلی و خارجی، ارتش ترکیه، نهادهای امنیتی، دستگاه قضایی و حتی مافیا... این شبکه در طول تاریخ با توسل به خشونت

و ابزارهای فشار، در بسیاری موارد به‌گونه‌ی پنهانی، نخبگان سیاسی و اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده تا منافع خاصی را در چارچوب ظاهراً دموکراتیک صحنه سیاسی تأمین کند.»

۳. با دقت در منظور کسانی که این اصطلاح را به‌کار می‌برند، درمی‌یابیم که «دولت عمیق» به نیروی پنهانی در داخل یا خارج ساختار رسمی دولت اطلاق می‌شود که زمام امور نظام سیاسی را در دست دارد؛ یعنی سیاست‌ها، دیدگاه‌ها و گرایش‌های خود را بر سیاستمدارانی که به‌طور قانونی انتخاب شده‌اند تحمیل می‌کند.

این نیروی پنهان، شبکه‌ای منسجم از افراد است که به درون مراکز حساس -مانند نیروهای نظامی، امنیتی و سیاسی- نفوذ کرده‌اند و مستقل از دولت قانونی فعالیت می‌کنند. گاهی نیز برای اشاره به این شبکه، از واژه‌های دیگری همچون «دولت موازی»، «دولت در سایه» یا «دولت درون دولت» استفاده می‌شود.

۴. تعریف دیگری نیز وجود دارد که از سوی سیاستمداران شکست‌خورده یا ناکام در قدرت و انتخابات مطرح می‌شود؛ آنان اصطلاح «دولت عمیق» را به‌مثابه بهانه‌ای برای پوشاندن ناکامی‌ها و شکست‌های خود به‌کار می‌گیرند. به بیان دیگر، این یک مفهوم فریبده است که برای تبرئه‌ی حاکمان در شرایطی که فساد، ظلم یا خیانت در کشور شایع می‌شود، به‌کار می‌رود. در این حالت، حاکم با متهم‌ساختن افرادی در خفا و انتساب مشکلات به «دولت عمیق»، افکار عمومی را از مسئولیت مستقیم خود منحرف می‌کند و مانع مطالبه‌ی تغییر از سوی مردم می‌گردد.

۵. دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که بر اساس آن، دولت‌های استعماری همان دولت عمیق در مستعمرات خود به‌شمار می‌روند؛ آنان با نفوذ پشت‌پرده، نظام‌های سیاسی مستعمراتشان را کنترل کرده، یک حاکم را در قدرت نگاه می‌دارند و دیگری را کنار می‌زنند.

نکته دوم: تعریف راجح (دقیق و قابل قبول) از دولت عمیق:

۱. با دقت در این تعاریف و تأمل در محتوای آن‌ها، تعریف راجح این است که «دولت عمیق» در یک کشور به معنای وجود یک نیروی تأثیرگذار (خواه سیاسی، اقتصادی یا خانواده‌های بانفوذ اشرافی) از درون همان کشور یا خارج از آن است که به‌صورت رسمی در دستگاه‌های حاکمیتی حضور ندارد، اما در خفا و پنهانی بر دولت اثرگذار است و فشار مؤثری بر نهادهای رسمی حکومتی وارد می‌کند تا خواسته‌های خود را پیاده کند یا حکومت را تغییر دهد.

۲. اما فریب مردم از سوی حاکم برای دور کردن اتهام فساد از خود و نسبت‌دادن آن به نهادی به‌نام «دولت عمیق» (به‌عنوان بهانه‌ای برای پوشاندن فسادش)، چنین چیزی را نمی‌توان «دولت عمیق» نامید، زیرا این نیرنگی از طرف خود حاکم است نه نیرویی مستقل و مخالف.

۳. همچنین، درنظر گرفتن دولت‌های استعماری به‌عنوان «دولت عمیق» نیز نادرست است؛ زیرا این دولت‌ها نیروهای خارجی هستند که بر مستعمرات خود مسلط‌اند، نه نیروهایی پنهانی از درون همان کشور که در برابر حکومت منتخب آن فعالیت می‌کنند.

مثال‌هایی برای روشن‌سازی بیشتر مفهوم دولت عمیق:

• ترکیه

الف) اصطلاح «دولت عمیق» نخستین بار از ترکیه نشأت گرفت. در پایان دوره خلافت عثمانی، گروهی از افسران وابسته به جمعیت «اتحاد و ترقی» که تحت تأثیر افکار غربی قرار داشتند، در سال ۱۹۰۹ کودتا کردند و خلیفه عبدالحمید دوم را برکنار کردند و برادرش محمد رشاد را با اختیاراتی محدود به خلافت گماشتند.

این رویداد، آغاز پیدایش طبقه‌ای قدرتمندتر از خلیفه بود که به‌صورت آشکار در بقای او یا سقوطش نقش داشتند. با این حال، آنان هنوز خلافت و حکومت اسلامی را به‌طور کامل برنینداخته بودند، پس آنان را نمی‌توان دولت عمیق به معنای پنهان دانست، زیرا به‌طور آشکار در ساختار حکومت حضور داشتند و سلطه داشتند.

ب) پس از جنگ جهانی اول، مصطفی کمال (آتاتورک) که مورد حمایت انگلیس بود، به قدرت رسید و سپس توانست خلافت را براندازد و شریعت را کنار بگذارد و قوانین غربی را جایگزین آن کند. او جمهوری را اعلام کرد و آن را بر پایه سکولاریسم بنا نهاد و علیه مظاهر اسلام نیز کودتاهایی انجام داد، مانند «کودتای الفبا» که طی آن حروف عربی ترکی به لاتین تغییر یافت، یا «کودتای لباس» که طی آن لباس‌های شرعی را با لباس غربی جایگزین کرد. او ارتش و نهادهای امنیتی را با معیارهایی خاص ساخت تا از جمهوری سکولار محافظت کنند و مانع بازگشت اسلام به حکومت و احیای خلافت شوند. ارتش به یک نیروی غالب و ناظر بر دولت تبدیل شد که هرگاه انحرافی از اصول کمالیسم می‌دید، وارد عمل می‌شد و همچنان وابسته به بریتانیا باقی ماند. سلطه کمالیسم و حمایت بریتانیا مانع شکل‌گیری دولت عمیق واقعی علیه این حکومت بود.

ج) زمانی که رجب طیب اردوغان با حمایت گسترده مردمی و با پشتیبانی سیاسی، مالی و اقتصادی آمریکا به قدرت رسید، از قدرت ژنرال‌های ارتش سکولار وابسته به بریتانیا آگاه بود. این ژنرال‌ها ستون فقرات دولت بودند و توانایی کودتا علیه او را داشتند. به همین دلیل، اردوغان ارزش‌های دموکراسی و آزادی را برجسته کرد و از مشروعیت مردمی برای محاصره آنان بهره برد تا از کودتا جلوگیری کند. آمریکا نیز با ابزارهای مالی و اقتصادی اشتباهی ترکیه را تحریک می‌کرد. در آن زمان، اردوغان نمی‌توانست این ژنرال‌ها را برکنار کند؛ چون قدرت زیادی داشتند، اما به‌زودی واقعیتی تازه با محوریت «دموکراسی» و «موفقیت اقتصادی» در ترکیه ایجاد کرد که مانع کودتا شد.

• در این دوره، توصیف وجود «دولت عمیق» در ترکیه که به‌صورت مخفیانه از درون ارتش و نهادهای حکومتی با اردوغان مقابله می‌کرد، توصیفی درست بود. این دولت شبکه‌ای مخفی بود که برای ناظران سطحی که فکر می‌کردند همه چیز طبق قانون پیش می‌رود، قابل تشخیص نبود. این شبکه در ارتش، قوه قضائیه و وزارتخانه‌ها نفوذ داشت و با احزاب سکولار اپوزیسیون نیز مرتبط بود. همچنین به مرکز فرماندهی در لندن متصل بود. اعضای این شبکه به‌صورت پنهانی دیدار و مشورت می‌کردند و درباره حکومت اردوغان تصمیم می‌گرفتند تا اینکه در سال ۲۰۱۶ اقدام به کودتا کردند، اما ناکام ماندند. اردوغان این واقعه را بهانه کرد و با پاکسازی گسترده در ارتش، قوه قضائیه، وزارتخانه‌ها و حتی استادان دانشگاه، موفق شد بخش بزرگی از دولت عمیق وابسته به بریتانیا را از میان بردارد. با این حال، برخی از هواداران آن شبکه هنوز باقی مانده‌اند، گرچه قدرت گذشته را ندارند و تلاش می‌کنند باز هم در برابر نظام، مفهوم «دولت عمیق» را زنده نگه دارند.

۲. ایالات متحده آمریکا

الف) نظام حکومتی در آمریکا دارای دو سطح واقعی است:

• سطح اول، نمایانگر مشروعیت مردمی است و به‌صورت ظاهری نشان می‌دهد که حکومت براساس اراده ملت و نتایج انتخابات شکل گرفته و دموکراتیک است.

• اما سطح دوم، سطحی پنهان، غیرمنتخب و نامشروع از دیدگاه نظام دموکراسی است که آن را «دولت عمیق» می‌نامند. افراد این سطح معمولاً در مناصب حساس دولتی حضور دارند و کنترل تصمیمات و جهت‌گیری‌های واقعی دولت را در دست دارند. بدون هماهنگی با این افراد، سطح اول یعنی ریاست‌جمهوری و نمایندگان منتخب نمی‌توانند سیاست‌گذاری مؤثری انجام دهند.

این افراد یا خود از سرمایه‌داران بزرگ هستند یا نمایندگان آنان‌اند. سرمایه‌داران بزرگ در آمریکا اطمینان حاصل می‌کنند که کارمندان کلیدی در نهادهای دولتی، حافظ منافع آن‌ها باشند. برای مثال:

• شرکت‌های مالی، نفوذ خود را در اداره مالیات دارند؛

• شرکت‌های اسلحه‌سازی، نفوذ در پنتاگون و قراردادهای نظامی وزارت خارجه؛

• شرکت‌های دارویی، نفوذ در وزارت بهداشت و نهادهای بیمه دولتی.

با گذر زمان، این شرکت‌ها توانستند با شبکه‌های نفوذ خود و از طریق لابی‌ها، کنترل واقعی بر دولت آمریکا به دست آورند.

ب) بنابراین، حقیقت نظام سیاسی آمریکا این است که دولت عمیق آن از دل سرمایه‌داران بزرگ و شرکت‌های غول‌پیکر بیرون آمده و نیروی پنهان و مؤثری است که پشت سیاست‌های کشور ایستاده است. این قدرت پنهان، کارمندان رده‌بالا را تحریک می‌کند تا در صورت مخالفت سیاست‌های رسمی دولت با منافع سرمایه‌داران، آن‌ها را به چالش بکشند. این نیرو هم‌زمان خارج از ساختار رسمی دولت قرار دارد، اما در دل آن نیز فعالیت دارد و در حوزه‌های اقتصاد، تجارت و صنعت فعال است، در حالی‌که آثار عملکرد آن مستقیماً در درون نهادهای حکومتی آمریکا دیده می‌شود.

ج) زمانی‌که دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ به قدرت رسید، با نارضایتی شدید مقامات عالی‌رتبه و آژانس‌های امنیتی و نهادهای رسمی روبه‌رو شد. مخالفت آنان به حدی رسید که به نوعی نافرمانی و مقاومت گسترده در برابر سیاست‌های او انجامید، از جمله:

• افشای مکرر اطلاعات محرمانه علیه او از سوی نهادهای امنیتی،

• طرح پرونده‌های مختلف علیه‌اش مانند ادعای حمایت روسیه از کمپین انتخاباتی او،

• تلاش برای استیضاح و پیگرد قضایی توسط کنگره،

• حتی وزارت دادگستری نیز آشکارا دشمن او شد.

شرکت‌های دارویی نیز کشف واکسن کرونا را تا پس از پیروزی بایدن در انتخابات سال ۲۰۲۰ به تعویق انداختند تا ترامپ از آن بهره‌برداری انتخاباتی نکند. این فشارها موجب شد ترامپ نتیجه انتخابات را زیر سؤال ببرد و آن را تقلبی بداند و کمیسون انتخابات را دشمن خود معرفی کند. وی در سال ۲۰۲۳ در جمع هوادارانش در تگزاس گفت: «یا دولت عمیق آمریکا را نابود می‌کند، یا ما دولت عمیق را نابود خواهیم کرد».

این واقعیت‌های دوران زمامداری ترامپ، وجود یک نیروی پنهان سازمان‌یافته در دل نظام آمریکا را تأیید می‌کند، نیرویی که مانع تغییرات از سوی رئیس‌جمهور منتخب می‌شود و توصیف «دولت عمیق» به‌روشنی بر آن منطبق است.

د) در تاریخ ۲۱ مارس ۲۰۲۳، ترامپ در یک ویدیو، برنامه ۱۰ ماده‌ای خود را برای مقابله با دولت عمیق اعلام کرد و گفت: «با این روش، دولت عمیق را در هم خواهیم شکست و حکومت را به زیر فرمان مردم بازخواهم گرداند». (منبع: دیلی میل بریتانیا، ۲۱ مارس ۲۰۲۳)

۳. بریتانیا: در بریتانیا نیز «دولت عمیق» وجود دارد. ساختار اصلی قدرت در این کشور در دست حزب محافظه‌کار است؛ حزبی که نماینده خانواده‌های اشرافی، سرمایه‌داران بزرگ و طبقات مرفه سنتی بریتانیاست. این طبقه در واقع حاکمان واقعی بریتانیا به شمار می‌روند.

اما گاهی سیاست‌های آشکار این گروه (محافظه‌کاران) باعث بروز بحران‌هایی برای کشور می‌شود و به منافع ملی آسیب می‌زند. در چنین شرایطی، حزب محافظه‌کار از صحنه قدرت کناره می‌گیرد و حزب کارگر زمام امور را در دست می‌گیرد تا وظیفه‌اش حل بحران‌ها و جلوگیری از آسیب بیشتر به کشور باشد. سپس، پس از انجام مأموریتش، دوباره کناره‌گیری می‌کند.

آنچه اخیراً از شکست سنگین حزب محافظه‌کار و پیروزی گسترده حزب کارگر مشاهده شد، در واقع برنامه‌ریزی شده توسط خود محافظه‌کاران بود؛ چراکه بریتانیا پس از خروج از اتحادیه اروپا (برگزیت)، دچار بحران شدید اقتصادی شده است. این بحران، نتیجه سیاست‌گذاری‌های اشتباه محافظه‌کاران در برگزاری همه‌پرسی اروپا بود. بنابراین، اکنون حزب کارگر وظیفه دارد این بحران را سامان دهد.

دولت عمیق در بریتانیا همان خانواده‌های اصیل و ثروتمند هستند که همواره قدرت را در دست دارند. اگر هم ظاهراً از قدرت کنارگیری کنند و حزب دیگری را به‌کار گیرند، در واقع آن را "اجاره داده‌اند" تا بحران را رفع کند، نه اینکه واقعاً قدرت را واگذار کرده باشند.

این سلطه نرم و روان دولت عمیق در بریتانیا، با ترویج ارزش‌هایی چون ستایش گذشته، افتخار به سنت‌ها و حفظ نهادهای قدیمی تقویت می‌شود. از همین رو، مردم بریتانیا توجه و علاقه‌ای شدید به خانواده سلطنتی، اخبار، داستان‌ها، جشن تولدها و سبک زندگی شاهزادگان دارند، زیرا این ارزش‌ها ابزارهایی برای تثبیت همان قدرت سنتی و عمیق‌اند.

خلاصه مطلب:

- دولت عمیق به نیرویی تأثیرگذار در ساختار حکومت گفته می‌شود که متشکل از شبکه‌ای از افراد بومی (از داخل یا خارج کشور) است و به‌صورت پنهانی یا مخفیانه علیه طبقه حاکمه فعالیت می‌کند تا آن را تضعیف یا تغییر دهد.

- اما اگر این شبکه از اهالی آن کشور نباشد، بلکه یک قدرت خارجی استعماری یا دشمن باشد که علیه کشور فعالیت می‌کند، دیگر آن را دولت عمیق نمی‌نامند، بلکه موضوع آن در حوزه استعمار، جنگ یا تجاوز جای می‌گیرد.

همچنین اگر این شبکه توسط خود طبقه حاکم ساخته شده باشد تا فساد و ناکارآمدی خود را پنهان کند و مردم را فریب دهد، و وانمود کند که دشمنی پنهان به نام "دولت عمیق" علیه آن فعالیت می‌کند، در این صورت نیز چنین شبکه‌ای را نمی‌توان دولت عمیق واقعی دانست، بلکه صرفاً ابزاری برای فریب و منحرف‌ساختن افکار عمومی است.

خلاصه‌ی خلاصه:

«دولت عمیق» شبکه‌ای است از افراد بومی کشور (چه در داخل و چه در خارج) که به‌صورت پنهانی علیه نظام حاکم در آن کشور فعالیت می‌کند تا آن را تضعیف یا سرنگون سازد. این پدیده تنها در کشورهایی رخ می‌دهد که بر پایه‌ی قوانین وضعی اداره می‌شوند، زیرا در چنین کشورهایی تعارض میان شبکه‌های داخلی یا خارجی در نوع حکومت وضعی امکان‌پذیر است.

- اما اگر حکومت، بر اساس شریعت الهی باشد، پس میان مسلمانان – چه در داخل و چه در خارج – دولتی عمیق برای تغییر حکومت اسلامی به نظام‌های دیگر پدید نمی‌آید، مگر اینکه آن‌ها تحت تأثیر و فشار یک نیروی استعماری یا متجاوز خارجی باشند، که در این صورت، همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، این دیگر «دولت عمیق» محسوب نمی‌شود.

از این رو، آنچه در برخی کشورهای اسلامی مانند پاکستان، بنگلادیش، مصر و غیره، از تغییرات یا کودتاها دیده می‌شود، مربوط به دولت عمیق واقعی نیست، بلکه نتیجه دخالت مستقیم استعمار در کشورهای وابسته به آن است.

- همچنین، اگر در سرزمین‌های اسلامی که بر اساس قانون وضعی اداره می‌شوند، جنبشی برای بازگرداندن حکومت اسلامی (خلافت راشده) فعالیت کند، این جنبش نیز دولت عمیق نامیده نمی‌شود، بلکه اینان یاران دین الله و یاوران رسول الله صلی الله علیه وسلم هستند. و ما از الله سبحانه و تعالی یاری و توفیق می‌طلبیم تا خلافت راشده را بار دیگر برپا کند، تا اسلام و مسلمانان عزیز شوند، و کفر و کفار خوار گردند.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ [نور: ۵۵]

ترجمه: الله به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که آنان را در زمین جانشین [و حاکم] خواهد کرد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [و حاکم] ساخت.

۶ ذوالقعدة ۱۴۴۶ ه.ق.

۴ می ۲۰۲۵ م.

مترجم: عبد الله دانشجو